

بازتاب هوش هیجانی در شاهنامه فردوسی بر اساس نظریه گلمن با محوریت مؤلفه مهارت‌های اجتماعی

مریم سعیدی^۱، شیرین صمصامی^{۲*}، سمانه سادات جعفر طباطبایی^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

سال نوزدهم، شماره ششم، شهریور ۱۴۰۵، شماره پی در پی ۱۲۴، صص ۶۱-۴۱

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8241>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: آثار ادبی علاوه بر اینکه آیینه تمام نمای زندگی مردم یک جامعه است با علوم انسانی ارتباطی مستقیم دارد؛ یکی از این علوم، روانشناسی است. استفاده از قدرت ادبیات برای توضیح مسائل علمی راه موثری برای یادگیری آسان است؛ حال اگر بایک نظریه علمی هم همراه شود این تأثیر بیشتر میشود؛ به همین دلیل مؤلفان با توجه به موضوع جستار، سعی در تطبیق متن شاهنامه با نظریه دنیل گلمن نموده‌اند که هوش هیجانی (EQ) با نام او گره خورده است.

روش مطالعه: پژوهش پیشرو، به دو شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است.
یافته‌ها: مفهوم هوش هیجانی نخستین بار توسط سالووی، مایر مطرح شد و دانیل گلمن با گسترش و ترویج آن نقش مهمی در شناساندن این سازه روان‌شناختی ایفا کرد. مؤلفه‌های هوش هیجانی از نظر گلمن، خودآگاهی، خودکنترلی، خود انگیزی، همدلی و مهارت‌های اجتماعی است.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شاهنامه، فراتر از یک اثر ادبی و تاریخی، منبعی غنی برای شناخت و درک رفتارهای اجتماعی و انسانی است. تسلط بر مهارت‌های اجتماعی، از طریق نفوذ اجتماعی، رهبری، مدیریت تعارض ارتباط مؤثر کلامی که ابزاری برای تنظیم هیجانات و میانجی‌گری است و درک اهمیت ارتباطات غیرکلامی، عاملی تعیین‌کننده در موفقیت‌های عاطفی و حکومتی قهرمانان بوده است. مهارت در مدیریت تعارضات، بازتابی مستقیم از خودتنظیمی هیجانی و درک فضای احساسی طرف مقابل است، در مهار بحران‌ها و بنا نهادن همکاری‌های پایدار (مانند عملکرد شخصیت‌های خردمند) نقشی حیاتی ایفا نموده است؛ در مقابل، بسیاری از شکست‌های ارتباطی شخصیت‌ها را در پرتو ضعف در خودآگاهی و آگاهی هیجانی تفسیر کرد. در نهایت، شاهنامه تصویری ارائه می‌دهد که نفوذ پایدار، نه بر پایه قدرت صرف، بلکه بر تعهد هیجانی و هدایت احساسات به سمت تفاهم و صلح استوار است.

تاریخ دریافت: ۱۷ فروردین ۱۴۰۵
تاریخ داوری: ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۵
تاریخ اصلاح: ۰۴ خرداد ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۷ تیرماه ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:

هوش هیجانی، دانیل گلمن، شاهنامه، فردوسی، روابط مؤثر

* نویسنده مسئول:

m.saeedi@iaui.ac.ir

(۹۸ ۲۱) ☎



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Reflection of Emotional Intelligence in Ferdowsi's Shahnameh Based on Goleman's Theory with Emphasis on the Component of Social Skills

M. Saeedi¹, Sh. Samsami^{*2}, S.S. Jafar Tabatabaei²

1- Department of Persian Language and Literature, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Bi.C., Islamic Azad University, Birjand, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 06 April 2026

Reviewed: 09 May 2026

Revised: 25 May 2026

Accepted: 08 July 2026

KEYWORDS

Emotional Intelligence, Daniel Goleman, Shahnameh, Ferdowsi, Effective Relationships

*Corresponding Author

✉ m.saeedii@iaui.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Literary works, in addition to being a complete reflection of the life of a society's people, have a direct connection with the humanities; one of these disciplines is psychology. Using the power of literature to explain scientific issues is an effective way to facilitate learning. When this approach is combined with a scientific theory, its impact becomes even greater. Therefore, considering the topic of the study, the authors have attempted to align the text of the *Shahnameh* with Daniel Goleman's theory, whose name is closely associated with emotional intelligence (EQ). He was the first to introduce this significant concept in human life for dealing with everyday issues and problems in the early 1990s. According to Goleman, the components of emotional intelligence include self-awareness, self-regulation, self-motivation, empathy, and social skills.

METHODOLOGY: The present study was conducted using documentary and library research methods.

FINDINGS: The concept of emotional intelligence was initially conceptualized by Salovey and Mayer; subsequently, Daniel Goleman played a pivotal role in expanding and popularizing this psychological construct. According to Goleman, the constituent components of emotional intelligence encompass self-awareness, self-regulation, motivation, empathy, and social skills.

CONCLUSION: This study shows that the *Shahnameh* is more than just a literary and historical text; it is a rich source for understanding human and social behaviors. The protagonists' emotional and political successes were determined by their mastery of social skills, such as leadership, conflict management, and effective verbal and non-verbal communication. Specifically, the ability to manage conflicts through self-regulation and empathy was crucial for resolving crises and building lasting cooperation. In contrast, many characters faced failures due to a lack of self-awareness and emotional intelligence. In conclusion, the *Shahnameh* suggests that lasting influence is built not on sheer power, but on emotional engagement and the use of emotions to achieve understanding and peace.

<https://irandoi.ir/doi/10.irandoi.2002/bahareadab.2026.18.8241>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 27	 0	 0

مقدمه

یکی از زمینه‌های مهم مورد بحث در روان‌شناسی، مبحث هوش^۱ (Q) است که فیلسوفان از گذشته‌های دور در مورد آن نظریه پردازی کرده‌اند، ولی روان‌شناسان تعاریف دقیق‌تری از این واژه ارائه داده‌اند. تعریف هوش از دستاوردهای مهم روانشناسی در قرن جدید به شمار می‌رود. از نظر هلیگارد^۲ و اتکینسون^۳ هوش قوه‌ای ذهنی بنیادی با بیشترین اهمیت در زندگی عملی انسان است. در واقع این قوه ذهنی همان قضاوت است که گاهی از آن با عناوینی همچون: عقل عملی، عقل سلیم، ابتکار و توانایی انطباق با شرایط، نام برده می‌شود. قضاوت درست، استدلال درست و درک درست، فعالیت‌های بنیادی هوش به شمار می‌آید. هوش نیز همچون دیگر زمینه‌ها انواع گوناگونی دارد: هوش اخلاقی^۴، هوش معنوی^۵، هوش مصنوعی^۶ و هوش هیجانی (احساسی)^۷. (اتکینسون و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۰) هوش احساسی یا هیجانی (EQ) را یک سری از توانایی‌ها دانسته‌اند که در موفقیت افراد در جنبه‌های مختلف زندگی چه شخصی و چه شغلی، ضرورت دارد. در واقع این نوع هوش حوزه وسیعی از توانایی‌های فرد را در برمیگیرد و به چگونگی سازگاری و موفقیت‌های زندگی اشاره می‌کند.

در علم روان EQ (هوش احساسی) از IQ مهم‌تر است؛ زیرا قابلیت توسعه دارد و این امر باعث می‌شود جامعه به سمت پیشرفت و ترقی سوق پیدا کند. به عقیده بلوچ، تحقیقات حاکی از این است که ۲۰ درصد از موفقیت‌های زندگی حرفه‌ای به بهره‌مندی هوشی (IQ) و ۸۰ درصد دیگر آن به هوش هیجانی (EQ) افراد بستگی دارد. (بلوچ، ۱۴۰۰: ۶۲) همین عامل سبب شده دانیل گلمن^۸ هوش هیجانی - عاطفی را از هوش علمی مهم‌تر و کارآمدتر بداند. (گلمن، ۱۳۹۸: ۶۲) انسان دارای هوش هیجانی بالا، نظم و ثبات بیشتری به زندگی خود می‌بخشد و بدین ترتیب کمتر وقایع منفی را در زندگی خویش تجربه می‌کند. جمال آبادی به نقل از سالوی و مایر^۹ «هوش هیجانی را توانایی بازشناسی معنای عواطف در ارتباطات برمی‌شمرد که فرد را قادر می‌سازد تا مشکلاتش را حل کند» (جمال آبادی، و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۷) دارندگان هوش هیجانی افرادی هستند که احساسات خود را خوب می‌شناسند و آن را هدایت می‌کنند. احساسات دیگران را نیز درک کرده و با آن به طرز صحیح برخورد می‌کنند. این افراد در هر بخش و حیطه‌ای از زندگی ممتاز هستند. چه روابط صمیمانه و عاطفی و چه فهم قواعد سازمانی. افرادی که مهارت‌های احساسی و عاطفی‌شان رشد پیدا کرده، از زندگی خود راضی‌اند و از و کارآمدی بالایی برخوردارند (گلمن، ۱۳۹۸: ۶۵) می‌توان گفت هوش هیجانی از عوامل تعیین کننده موفقیت انسان در زندگی است. از سوی دیگر قدرت شخصیت‌پردازی فردوسی در به تصویر کشیدن حالات روحی و روانی شخصیت‌های اثرش می‌تواند بستر مناسبی برای تحقیقات بین رشته‌ای باشد. تاکنون پژوهش‌های زیادی در این حوزه انجام شده است، که در ذیل بدان‌ها اشاره می‌شود:

¹ intelligence

² Hilgard

³ Atkinson

⁴ moral intelligence

⁵ spiritual intelligence

⁶ artificial intelligence

⁷ emotional intelligence

⁸ Daniel Goleman

⁹ Salovey & Mayer

مجید هوشنگی (۱۳۸۸) در رساله دکتری خود با عنوان «نقد و تحلیل روانشناختی شخصیت‌های شاهنامه»، شخصیت پهلوانان از سه بعد متفاوت انسان واقعی، اسطوره و از زاویه رنگ و نقوش درفش آنان بررسی کرده است.

زهره کرمی‌جمگردانی (۱۳۹۴)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد، با عنوان «تحلیل روانشناختی شخصیت‌های برجسته شاهنامه بر اساس نظریات کارل گوستاو یونگ»، به این نتیجه دست یافته که شاهنامه فردوسی محصول کنش ضمیر ناهشیار و متعاقباً مشتمل بر کهن‌الگوهاست.

سارا غریب‌آبادی و همکاران (۱۴۰۱)، در مقاله «بررسی سبک‌شناسی شخصیت‌های شاهنامه با رویکرد روانشناسی تحلیلی» به شخصیت سیاوش پرداخته و به این نتیجه رسیده است که سیاوش تمامی خصایص پیر خرد را دارد و به همین دلیل در برون رفت از آتش موفق می‌شود.

آثار دیگری نیز با همین زاویه نگاه نگاشته شده که هیچ تشابهی با موضوع جستار و نظریه مورد بررسی، ندارد. در پژوهش حاضر سعی شده است به روش توصیفی تحلیلی هوش هیجانی با محوریت مهارت اجتماعی که یکی از مؤلفه‌های پنج‌گانه در نظریه دانیل گلمن است بررسی شود و به این سوالات پاسخ داده شود:

ا- بازتاب هوش هیجانی در شاهنامه فردوسی چگونه است؟

ب- تشابه و تباین نگاه فردوسی و دانیل گلمن در چیست؟

ت- عنصرمهارت اجتماعی و مؤلفه‌های آن در شاهنامه فردوسی چه شباهتی با نظریه دانیل گلمن دارد؟

بحث و بررسی

- هوش هیجانی

یکی از تواناییهای شناخته شده انسان، هوش هیجانی است (گلمن، ۱۳۹۸: ۲۳)، ریشه‌های دور هوش هیجانی را می‌توان در کارهای اولیه داروین جستجو کرد؛ جایی که او اهمیت ابزار هیجانی را برای بقا و انطباق یادآور می‌شود (زهراکار، ۱۳۶۹: ۶۷). یافته‌های نوین در حوزه تنظیم هیجان بین‌فردی نشان می‌دهند که مهارت‌های هیجانی در کیفیت روابط اجتماعی، بهزیستی روان‌شناختی و کارکرد مطلوب بین‌فردی نقش مهمی دارند؛ از این‌رو، توجه به جنبه‌های اجتماعی هوش هیجانی، به‌ویژه در تعاملات انسانی و سازگاری اجتماعی، در پژوهش‌های جدید مورد تأکید قرار گرفته است (Roquete و همکاران، ۲۰۲۳).

و نشان داده شده است که فقدان مهارت‌های هیجانی می‌تواند پیامدهای نامطلوبی در ساحت‌های فردی و اجتماعی ایجاد کند، و در مقابل، آموزش و تقویت این مهارت‌ها زمینه‌ساز موفقیت‌های بزرگ می‌شود؛ بنابراین، آموزش هوش هیجانی می‌تواند بستر مناسبی برای اعتلای فردی و اجتماعی در حوزه‌های مختلف فراهم آورد. تعاریف مربوط به هوش هیجانی، با وجود تنوع ظاهری، عموماً بر توانایی شناخت و درک هیجانها، مدیریت و تنظیم آنها و به‌کارگیری هیجان در کیفیت بخشی به روابط و تعاملات اجتماعی تأکید دارند (Mayer, Salovey, & Caruso, 2016).

دانیل گلمن هوش هیجانی را مبتنی بر پنج مؤلفه خودآگاهی، خودکنترلی، خودانگیزی، همدلی و روابط مؤثر میدانند و معتقد است هوش هیجانی، نوعی مهارت اجتماعی است که طی آن فرد با دیگران ارتباط مؤثر برقرار می‌کند و همدردی با آنان، کنترل تکانشها و حل تعارضات را در پی دارد (Corsini, 1999: 326).

با توجه به تعریف فوق می‌توان عناصر هوش هیجانی را به دو دسته تقسیم کرد:

۱- قابلیت‌های شخصی هوش هیجانی

- الف. خودآگاهی: شناخت و درک حالات درونی خود مانند امیال، ترجیحات، تواناییها و منابع فردی در اختیار.
- ب. هدایت و اداره هیجان: اداره کردن حالات درونی، تکانش و منابع خود.
- ج. انگیزش: استفاده از هیجان‌ها به عنوان ابزاری برای رسیدن به هدف.

۲- قابلیت‌های اجتماعی هوش هیجانی

- الف. همدلی: آگاهی نسبت به احساسات، نیازها و علایق دیگران.
- ب. مهارت‌های اجتماعی: واکنش مناسب نسبت به علایق دیگران (آقایار، شریفی درآمدی، ۱۳۸۶: ۱۴۱).
- در چارچوب نظریه هوش هیجانی دانیل گلمن، مهارت‌های اجتماعی که عنصر مورد بحث جستار حاضر است زیر بنای روابط و تعاملات مؤثر در محیط‌های جمعی مطرح میگردد. این مؤلفه نه تنها توانایی فرد را در برقراری ارتباطات کارآمد، بلکه قابلیت او را در تأثیرگذاری بر دیگران، مدیریت تعارضات، رهبری اثربخش و تسهیل همکاریهای گروهی منعکس میسازد.
- این مؤلفه حیاتی، خود از چندین زیرمجموعه کلیدی روابط مؤثر، رهبری و نفوذ چاره‌اندیشی، مدیریت تعارض، همکاری گروهی در ارتباط مؤثر، ایجاد و حفظ روابط، تأثیرگذاری و متقاعدسازی تشکیل شده است که هر یک نقش متمایزی در تعاملات اجتماعی ایفا میکنند.

روابط مؤثر

ارتباط در نگاه صاحب‌نظران از جمله ادوین امری^۱ چنین تعریف میشود: «ارتباط عبارت است از فن انتقال اطلاعات، افکار و رفتارهای انسانی از یک شخص به شخص دیگر، به شیوه‌ای خاص لبخند، بیان شفاهی و کتبی که هر فرد برای انتقال پیام‌های خود به دیگران انتخاب میکند. (ساروخانی، ۱۳۶۷: ۳۴)

گلمن تأکید دارد که ارتباط باید به شکلی هدفمند و مؤثر با دیگران ایجاد شود. افرادی که از این مهارت برخوردارند به راحتی میتوانند مسیر فکری دیگران را تغییر دهند. آن‌ها با استفاده از عنصر گفتگو میتوانند خلأهای یک رابطه را پر کرده و تا حد مناسبی به آن عمق ببخشند. فردوسی به عنصر، ارتباط مؤثر به صورت کلامی و غیر کلامی توجه ویژه دارد:

ارتباط مؤثر کلامی

گفتگوی زال با کیکاووس در مورد سهراب، زمانی که مشخص میشود سهراب به همراه افراسیاب قصد حمله به ایران را دارد، زال که از هویت سهراب تا حدی مطلع است، تلاش میکند این موضوع را به گوش کیکاووس و رستم برساند تا از رویارویی ناخواسته جلوگیری کند. ظرافت کلام و استدلال محکم، برای آرام کردن کیکاووس و منصرف کردن او از درگیری با بیان تجربیات گذشته و عواقب احتمالی جنگ ستودنی است. زال با شناختی که از کاووس در استبداد رای و شخصیت خودخواه وی دارد سعی میکند برای داشتن ارتباطی مؤثر، با گفتار ملایم و با پررنگ کردن نقش او و اطمینان خاطر از اینکه حکم قطعی با اوست شروع کند:

¹E. Emery

بدو گفت شاهی و ما بنده‌ایم به دلسوزگی با تو گوینده‌ایم
اگر داد فرمان دهی گر ستم برای تو باید زدن گام و دم
از اندیشه دل را بپرداختم سخن آنچ دانستم انداختم
نه مرگ از تن خویش بتوان سپوخت نه چشم جهان کس به سوزن بدوخت
به پرهیز هم کس نجست از نیاز جهانجوی ازین سه نیابد جواز
همیشه جهان بر تو فرخنده باد مبدا که پند من آیدت یاد
پشیمان مبادی ز کردار خویش به تو باد روشن دل و دین و کیش
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۳۸۹/۲)

در داستان زال و رودابه، گفت و شنودهای عاشقانه زال و رودابه در نخستین دیدار نمونه‌ای از ارتباط کلامی مؤثر در روابط عاطفی با استفاده از عناصر مؤثر کلام -انتخاب کلمات، لحن و صداقت در بیان- رابطه عاشقانه محکمی را رقم می‌زنند. این گفتگو را معشوق آغاز میکند:

دو بیجاده بگشاد و آواز داد که شاد آمدی ای جوانمرد، شاد...
پیاده بدین‌سان ز پرده‌سرای برنجیدت آن خسروانی دو پای
(همان ۱۳۸۶: ۱۳۸۹/۱)

ستودن قدرت مردانه، بزرگ‌نمایی عمل همراه با نوازش کلامی با طنز زبانی زنانه مردی چون زال را وادار به چنین پاسخی میکند:

چنین داد پاسخ که ای ماه‌چهر درودت ز من، آفرین از سپهر
چه مایه شبان دیده اندر سماک خروشان بدم پیش یزدان پاک
همی خواستم تا خدای جهان نماید مرا رویت اندر جهان
کنون شاد گشتم به آواز تو بدین خوب گفتار با ناز تو
یکی چاره راه دیدار جوی چه پرسی تو بر باره و من به کوی
(همان ۱۳۸۶: ۱۳۸۹/۲)

گفتار زال در این بخش از منظر نظریه هوش هیجانی، واجد ویژگی‌هایی چون توجه به نیازهای عاطفی مخاطب و استفاده از کلمات تأثیرگذار است. وی میداند که توصیف زیبایی رودابه و شنیدن کلمات مهربانانه از سوی او رودابه را به کمند او خواهد انداخت چراکه «گفتگوهای سرشار از ابراز عشق، احترام و اطمینان بخشی نقطه عطف شروع یک زندگی مشترک است» (نیون، ۱۳۸۶: ۸۷) و این جادوی کلام است.

در قسمت دیگری از این داستان، گفتگوهای کلامی مؤثر سیندخت، گره‌های افکنده شده در داستان را می‌گشاید و همواره در نقش زنی دانا و چاره‌اندیش ظاهر میشود؛ از جمله آنگاه که مهرباب از عشق زال و رودابه مطلع میشود و با عصبانیت قصد جان رودابه را میکند:

چو آن دید سیندخت بر پای جست کمر کرد بر گرد گاهش دو دست
چنین گفت کز کهنتر اکنون یکی سخن بشنو و گوش دار اندکی
از آن پس همان کن که رای آیدت روان و خرد رهنمای آیدت
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۳۸۸/۲)

و چه خردمندانه آب بر آتش خشم مهرباب میریزد. از دیگر گونه‌های گفتگو در این داستان، میتوان با خود سخن گفتن، گلایه کردن، نیایش، نامه نوشتن، وصف قهرمانان، پیام دادن و... را نام برد (فردوسی، ۱۳۰/۲، ۱۴۲، ۱۷۱) در میان این گفتگوها، افشای راز که به مدد آن در روند کلی داستان انقلاب ایجاد میشود و سرنوشت قهرمان داستان و نیز جریان حوادث آن دگرگون میشود را، نباید نادیده گرفت و این شکل دیگری از القای تاثیر کلامیه مخاطب است (سرامی، ۱۳۸۳: ۳۰۴).

یکی دیگر از گفتگوهای درارتباط کلامی مؤثر در داستان سیاوش، از منظر نظریه هوش هیجانی سیاوش با خرد و مهارت هیجانی بالا، به جای جنگ با توران، پیمان صلحی با افراسیاب منعقد میکند و این موفقیت را در نامه‌ای صادقانه به پدرش، کی کاووس، گزارش میدهد؛ اما کاووس، صلح را نپذیرفته و آن را به معنای ضعف تلقی میکند و دستور به ادامه خشونت میدهد؛ در این زمان که خشم شاه بر منطق او غلبه کرده است، رستم مدبرانه، گوشزد میکند که هر چه رفته است، اجرای حکم شاه است و افراسیاب برای آشتی پیشقدم شده است. شکستن پیمان عاقبت خوبی ندارد و اگر باز هم اوضاع بر مراد شاه نباشد در جنگ باز است :

تو گفتی که بر جنگ افراسیاب	مران تیز لشکر بران روی آب
بمانید تا او بیاید به جنگ	که او خود شتاب آورد بی‌درنگ
بودیم یک چند در جنگ سست	در آشتی او گشاد از نخست
کسی کاشتی جوید و سور و بزم	نه نیکو بود پیش رفتن بزم
نباشد پسندیده نیک‌خواه	و دیگر که پیمان شکستن ز شاه
سیاوش چو پیروز بودی بجنگ	برفتی بسان دلاور پلنگ
چه جستی جز از تخت و تاج و نگین	تن آسانی و گنج ایران زمین
همه یافتی جنگ خیره مجوی	دل روشنست به آب تیره مشوی
گر افراسیاب این سخنها که گفت	به پیمان شکستن بخواهد نهفت
هم از جنگ جستن نگشتیم سیر	بجایست شمشیر و چنگال شیر
ز فرزند پیمان شکستن مخواه	مکن آنچ نه اندر خورد با کلاه

(فردوسی، ۱۰۴/۵)

سودابه، دختر شاه هاموران و همسر کاووس، به تعبیر اسطوره‌ای، خرد اهریمنی کاووس شاه است و وجود او سرآغاز بسیاری از رنجها و شوربختیهایی است که کاووس به آنها دچار میشود (یاحقی، ۱۳۸۶: ۴۸۶)، در داستان سیاوش، ۲۰ گفت‌وگو از سودابه بیان شده است که عبارت است از: ۱۲ گفت‌وگو با کاووس شاه (فردوسی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۱۲، ۲۱۷، ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۳۹) گفتگو با سیاوش (همان: ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۴)؛ گفتگو با هیربد (همان: ۲۱۸) و گفتگو با زن حامله جادوگر (همان: ۲۲۸). سودابه شخصیتی است که از توانایی بالایی در اقناع و تأثیرگذاری کلامی برخوردار است، در هر جایی از داستان با گفتار، خودش را به کاووس ثابت میکند. حتی جایی که بر کاووس مسلط میگردد مشکل از سودابه است باز هم با همان گفتار کاووس را وادار به امتحان میکند.

چنین پاسخ آورد سوداوه پیش که من راست گویم به گفتار خویش...
سیاوخش را کرد باید درست که این بد نکرد و تباهی نجست
(همان: ۲۳۳)

زبان آوری و قدرت بیان در ارتباط مؤثر یکی از ابزارهای فرستادگان در عرصه‌های بین‌المللی در شاهنامه محسوب می‌شود. بدیهی است که فرستاده علاوه بر مهارت زبانی میباید بیش از هر حرفی اندیشه نماید و ضمن آگاهی از گریزگاههای سخن، از بیان نابجا به‌طور جدی خودداری ورزد. در این رابطه در کتاب دیپلمات و دیپلماسی آمده است: «بر سفیر واجب است که مفاهیم و مطالب خشن را در لفافه الفاظ نرم و ملایم بپوشاند» (آلادپوش، توتونچیان، ۱۳۷۲: ۱۱۲).

یکی دیگر از شواهد اهمیت قدرت بیان، توانایی گفت‌وگو و نفوذ کلام سیندخت که قابل انطباق با هوش هیجانی است. سیندخت در موقعیتی دشوار قرار دارد؛ باید از تهدید جنگی بکاهد و هم حیثیت خانواده‌اش را حفظ کند. با این حال، نخستین جمله‌اش با لحن آرام و احترام‌آمیز آغاز می‌شود: درخواست «پیمان امنیت» پیش از هر سخن دیگر، نشانه‌ی درک احساسی مخاطب است—او از ترس احتمالی سام نسبت به فریب یا مقاومت آگاه است و میکوشد فضای احساسی گفت‌وگو را امن کند.

بدو گفت سیندخت کای پهلوان	سر پهلوانان و پشت گوان
یکی سخت پیمانست خواهم نخست	که لرزان شود زو بر و بوم و رست
که از تو نیاید به جانم گزند	نه آنکس که بر من بود ارجمند
مرا کاخ و ایوان آباد هست	همان گنج و خویشان و بنیاد هست
چو ایمن شوم هر چه گویی بگوی	بگویم بجویم بدین آب روی
نهفته همه گنج کابلستان	بکوشم رسانم به زابلستان
جزین نیز هر چیز کاندر خورد	ببیند ز من مهتر پر خرد

(فردوسی، ۷۹/۱)

شیوه سخن گفتن او کاملاً هدف‌دار و روشن است؛ نه از روی ترس، بلکه با اعتماد به نفس و شفافیت در پیام و این نشان دهنده همان چیزی است که گلمن آن را ارتباط مؤثر کلامی مینامد؛ بیانی که احساس، منطق و اعتماد را هم‌زمان منتقل می‌کند. سام با شنیدن سخنان سیندخت تصمیم می‌گیرد به دیدار مهراب برود. نفوذ کلام سیندخت که نشان درایت و خردمندی در ارتباط است سام تصمیم می‌گیرد تصمیمی برخلاف عرف و سنت رایج آن زمان بگیرد؛ تاگفت‌وگویی با مهراب داشته باشد، عملی که میتوانست عواقب سختی داشته باشد.

سخن‌هاچو بشنید از او پهلوان
زنی دید با رای و روشن روان

(فردوسی، ۸۱/۱)

نامه سیاوش به پدرش کیکاووس پس از رسوایی به بارآمده توسط سودابه قابل انطباق از شواهد گفتگوی موثر است. او نامه را با نهایت احترام به پدر آغاز میکند و جایگاه او را یادآوری مینماید تا حس قدرت به او داده شود تا از جانب سیاوش احساس خطر نکند. سپس ابراز می‌کند به دلیل ناپاکی دربار و عدم اعتماد پدر (هرچند ناخواسته)، دیگر تحمل ماندن در ایران را ندارد. او ضمن گلایه از اتهام ناروا و حیثیت خدشه‌دار شده خود بر بی‌گناهی خود در ماجرای سودابه تأکید میکند و بیان میدارد که آزمون آتش (که خود او پیشنهاد داده بود) نیز گواه پاکی او بوده است. در پایان برای او و ایران، دعا میکند. نامه با ابراز عشق و احترام دوباره به پایان میرسد.

بدیشان چنین گفت کز بخت بد	فراوان همی بر تنم بد رسد
بدان مهربانی دل شهریار	بسان درختی پر از برگ و بار
چو سوداووه او را فریبده گشت	توگفتی که زهر گزاینده گشت

شبستان او گشت زندان من غمی گشت دل و خندان من
چنین رفت بر سرما روزگار که با مهر او آتش آورد بار
گزیدم برآن سوز بی آب جنگ مگر دور مانم زچنگ نهنگ
(فردوسی، ۲۶۹/۵)

سیاوش با بیان منطقی و صادقانه رنج‌هایش در مواجهه با اتهام، بی‌اعتمادی و درد همراه با ابراز وفاداری و احترام به مقام طرف مقابل شاه را به عذاب وجدانی مهلک دچار میکند و خود شرافتمندانه از موقعیت بحرانی خارج میشود.

ارتباط مؤثر غیر کلامی

فردوسی هر جا که ابزار ارتباط زبانی و کلامی را نارسا می‌یابد به نوع دیگری از برقراری ارتباط، یعنی غیر کلامی روی می‌آورد «نشانه‌های غیر کلامی یا تصویری و دیداری در مناسبات اجتماعی به شمار می‌آید. نشانه‌های تصویری یا دیداری نشانه‌هایی هستند که به‌طور مستقیم و بی‌واسطه معنایی را به دلالت التزام به مخاطبان منتقل میکنند. شعیری ۱۳۹۲: ۹). این رفتارها کارکرد ارتباطی غیر کلامی داشته‌اند. به هرمز خبر رسیده است بهرام سرکشی پیشه کرده است هرمز خلعتی ناسزا همراه با فرستاده ای بی منش برایش می‌فرستد:

چو بنهاد بر نامه بر مهر شاه بفرمود تا دوکدانی سیاه
بیارند با دوک و پنبه دراوی نهاده بسی ناسزا رنگ و بوی
هم از شعر پیراهن لاژورد فرستاده بی بی یکی سرخ شلوار و مقناع زرد
منش برگزید که آن خلعت ناسزا را سزید
(فردوسی: ج ۱/ ۳۸۵)

این رفتار بدون کلام تأثیری شگرف می‌گذارد به گونه‌ای که بزرگان ناراحتی خود را ابراز میکنند و شاه از کرده خود پشیمان میشود:

پشیمان شد از دوکدان شهریار از آن پنبه و جامه نابکار
(همان: ۵۹۲)

گلمن هم ابزارهای ارتباطی را محدود به کلام نمیداند و معتقد است که بدن و حرکات، زبان قدرتمندی هستند که میتوانند پیامهای صریح احترام یا پرخاش را با شدتی بسیار بیشتر از کلمات منتقل سازند. (گیرو، ۱۳۸۳: ۱۱) گرفتن دست طرف مقابل برای ادای احترام و دادن احساس دوستی و نزدیکی (فردوسی، ۳۴۰/۱)، دست چپ نشان دادن رستم به نشانه تحقیر و رفتار خشم آلود او در طول دیدار با نوع نشست و نگاه اعتراض آمیز و فشردن شمامه در دست به رفتار اسفندیار، شواهد روشنی بر آگاهی فردوسی بر ارتباط غیر کلامی است. این رفتارها به خشونت زبانی منجر میشود و باعث میشود که رستم از نژادگی خود بگوید و اسفندیار هم به تیزی، مرغ پروردگی او را یادآور شود و راه آشتی بسته شود. (همان: ۱۲۳/۲)

از منظر هوش هیجانی در داستان رستم و سهراب، کاووس عصبانیت خود را از سخنان رستم با ارتباط غیر کلامی و با چشم نشان میدهد:

چو کاووس بشنید شد پرزخشم برآشفت زان کارو بگشاد چشم
(شاهنامه، ۲/۲۶۵)

از دیگر ارتباط غیرکلامی دست‌بوسی یک ادب ویژه برای نمایش احترام است (بیدارمغز، ۱۳۹۲: ۱۵۰) که در شاهنامه از بسامد بالایی برخوردار است. عملی که در طول تاریخ برای ایجاد روابط مافوق با زیردست به کاررفته است (بیز ۱۳۹۲: ۱۷۹). شکل‌های دیگر این رفتار در شواهد زیر دیده می‌شود. هنگامی که کاووس به ایران باز می‌گردد، رستم تخت او را به نشانه ادب و احترام می‌بوسد:

فرو برد رستم ببوسید تخت بسیج گذر کرد و بر بست رخت
(فردوسی، ۲/۶۴)

سبک، حاکم شهرچهرم، هنگامی که به اردشیر می‌رسد از اسب پیاده می‌شود و پای او را می‌بوسد:

بیامد دوان پای او بوس داد ز ساسانیان بیشتر کرد یاد
(همان، ۶/۱۵۹)

فرستادن هدیه راه دیگری برای ایجاد ارتباط غیرکلامی در شاهنامه است؛ رسمی که در فرهنگ ایرانی برای حیوانات هم روایی دارد. حکایت طوطی و بازرگان در مثنوی شاهد این ادعاست. در شاهنامه افراسیاب پس از آن که تصمیم به آشتی با ایرانیان می‌گیرد، گرسیوز را با هدایایی گرانبها برای ملاقات با سیاوش راهی می‌کند تا بدینوسیله پیغام صلح و آشتی او را برساند:

چو بنشست گرسیوز از گاه نو بدید آن سر و افسر شاه نو
به رستم چنین گفت کافراسیاب چو از تو خبر یافت اندر شتاب
یکی‌ادگاری به نزدیک شاه فرستاد با من کنون در به راه
بفرمود تا پرده برداشتند به چشم سیاوش گذاشتند
پسند آمدش سخت بگشاد روی نگه کرد و بشنید پیغام اوی
(فردوسی، ۵/۲۲۴)

این نوع هدیه دادن در عرصه سیاسی، برای ایجاد ارتباطی مسالمت آمیز در داستان زال و رودابه هم دیده می‌شود. می‌توان تفسیر نمود که سیندخت علاوه بر هنر گفت‌وگو و قدرت کلام با بردن هدایایی ارزشمند برای سام پیام صلح و تفاهم را منتقل می‌کند. این رفتار خردمندانه و هماهنگ با اصول هوش هیجانی و استفاده از ارتباط سازنده توجه سام را جلب می‌کند. در نتیجه، سام تحت تأثیر رویکرد آرام و محترمانه سیندخت قرار گرفته و از تصمیم خود برای حمله به کابل منصرف می‌شود. (همان، ۱، ۲۱۰-۲۰۹)

حکیم طوس به گوش دادن فعال در برقراری ارتباط هم توجه کرده است. کاوس وقتی هیربد را فرا می‌خواند که با سیاوش به شبستان برود و او را همراهی کند از او می‌خواهد که به آنچه که سیاوش می‌گوید، گوش کند:

سپهدار ایران به فرزانه گفت که چون برکشد تیغ هور از نهفت
به پیش سیاوش همی رو به هوش نگر تا چه فرماید آن دار گوش
(فردوسی، ۵/۲۰۶)

این دستور العمل در فرستادن سفیران به وضوح دیده میشود همچنین آداب دیدار از احترام به مخاطب (همان، ۹۳/۱) رعایت اصول پوشش ظاهری (همان، ۳۱۱/۵) گفتاری که باید ردو بدل شود (همان، ۳۱۱/۵) دستورالعمل رفتاری (همان، ۷۸/۸) زمان رفتن (همان، ۱۴۲/۲) نکته به نکته گفته میشود تا خطا به صفر برسد و کارگزار باید همه را دقیق گوش دهد زیرا هر خطایی به قیمت جاننش تمام خواهد شد (همان، ۱۱۲/۴). آنچه بیشتر از همه به موضوع جستار مرتبط است احترام به مخاطب است که همیشه برگ برنده شاهان، حتی تورانیان است. دستورات ارجاسب تورانی به سفیرش برای دیدار گشتاسب شاهد این ادعاست: چو اورا ببینید بر تخت وگاه کنید آن زمان خویشان را دوتاه برآیین شاهان نمازش برید به تاج وکی تخت او بنگرید (فردوسی، ۹۳/۵)

- رهبری و داشتن ارتباط مؤثر

گلمن معتقد است که رهبری واقعی، توانایی الهام بخشیدن به دیگران به سبکهای مختلف و انعطاف پذیر برای دنبال کردن یک هدف مشترک است (آقایار، شریفی درآمدی، ۱۳۸۶: ۱۲۵). نوآوری در شاهنامه یکی از اصول رهبری است. شاهان پیش برندگان فرهنگ بشری هستند. کیومرث اولین برنامه ریزی برای تغییر در روش زندگی مردمش را انجام میدهد. محل سکونت، نوع پوشش مردم از چشم او دور نیست (شاهنامه فردوسی، ۲۲/۱) هوشنگ جامعه را به سوی صنعتی شدن میبرد (همان، ۲۹/۱) و شاه به شخصه آموزش رعایای خود را به عهده میگیرد (همان، ۴۲/۱) و خودش مانند مردمش واد عمل میشود (همان، ۳۰/۱) شناخت نیاز مشترک همزمان انعطاف در اصول در ازدواج زال ورودابه دیده میشود. مهراب ترسیده است، سام از خشم شاه هراسان است منوچهر دچار تردید است اما ستاره شناسان را باور برآن است که نتیجه این ازدواج فرزندی است که:

بدو	باشد	ایرانیان	را	امید	ازو	پهلوان	را	خرام	و	نوید
کمر بسته	شهریاران	بود	به	ایران	پناه	سواران	بود			

(فردوسی، ۲۴۷ و ۲۰۹/۱)

پس نیاز مشترک باعث شکستن تابوی ازدواج دختری از تبار ضحاک با پهلوان ایرانی توسط منوچهر است. در کنار رهبران موفق فردوسی از شاهان بی خرد هم غافل نمانده است. از منظر هوش هیجانی کاووس یکی از این رهبرانی است که از هوش هیجانی پایینی برخوردار است بارها، در آستانه اتخاذ تصمیمات اشتباه قرار میگیرد؛ به گونه ای که حضور مشاور خردمند و باهوشی چون زال هم که درک عمیق از شخصیت کیکاووس دارد نمیتواند او را از مسیری که به تباهی میانجامد، باز دارد. مهارت گفتار زال، ریشه در هوش هیجانی بالای زال دارد.

تو	از	خون	چندین	سرنامدار	ز	بهر	فزونی	درختی	مکار
که	بار	و	بلندیش	نفرین	بود	نه	آیین	شاهان	پیشین
چنین	پاسخ	آورد	کاووس	باز	کز	اندیشه	تو	من	نیمبی
ولیکن	من	از	آفریدون	و	جم	فزونم	به	مردی	و
همان	از	منوچهر	و	از	کیقباد	که	مازندران	را	نکردند
سپاه	و	دل	و	گنجم	افزوتنرست	جهان	زیر	شمشیر	تیز

(فردوسی، ۹۷۸ / ۲)

اما کیکاووس خودسرانه، نیت مازندران میکند و خود و سپاهیان‌ش به دست دیوسپید گرفتار میشوند:

به گوش تو آید خود این آگهی کریشان شود روی گیتی تهی
گرایدونک یارم نباشی به جنگ مفر مای ما را بدین در درنگ
(فردوسی، ۹۸۲/۲)

همچنین گشتاسب با اینکه میداند:

ورا هوش در زاولستان بود به دست تهم پور دستان بود
(همان، ۲۹۷/۵)

اسفندیار را چنین به کام مرگ میفرستد:

سوی سیستان رفت باید کنون به کار آوری زور و بند و فسون
برهنه کنی تیغ و گوپال را به بند آوری رستم زال را
(همان، ۳۰۲/۵)

در شاهنامه، رهبرانی که از هوش هیجانی بالایی برخوردارند، توانایی بیشتری در درک احساسات، انگیزه‌ها و نگرانیهای مردم خود دارند. این درک عمیق به آن‌ها اجازه میدهد تا با همدلی و بصیرت بیشتری با چالش‌ها و تغییرات اجتماعی روبرو شوند. آن‌ها می‌توانند با برقراری ارتباط مؤثر، ایجاد اعتماد و جلب مشارکت عمومی، جامعه را به سمت تحولات مثبت هدایت کنند. به عنوان مثال، رهبرانی مانند کیخسرو که با وجود سختیها، رویکردی خردمندانه و عادلانه در پیش میگیرند، نمونه‌هایی از هدایتگری موفق در پرتو هوش هیجانی بالا در شاهنامه هستند. این ویژگی‌ها به آن‌ها کمک میکند تا در دوران پرآشوب، ثبات و انسجام جامعه را حفظ کرده و مسیر پیشرفت را هموار سازند.

چاره‌اندیشی در روابط

ارتباط مؤثر و چاره‌اندیشی در روابط، دو روی یک سکه هستند؛ ارتباط مؤثر ابزاری است که چاره‌اندیشی را به نتیجه می‌رساند، به این صورت که فرد با درک دقیق فضای هیجانی طرف مقابل کلامی را به کار میبرد که نه تنها آرامش‌بخش باشد، بلکه طرف مقابل را نیز به پذیرش یک راه‌حل منطقی و سازنده هدایت کند، به عبارت دیگر این گونه انسانها مسئله مدار هستند و احساس میکنند که در زندگی خود مأموریتی دارند؛ یعنی کاری بیرون از خود و ورای خود در پیش دارند که بیشتر انرژی خود را صرف آن میکنند و بیشتر تلاش خود را به آن اختصاص میدهند. (کریمی، ۱۳۷۸: ۱۶۲)،

اگرچه برای آزادی اسیران ایرانی‌جانش را از دست می‌دهد (فردوسی، ۱۳۸۶: ۳۱۹/۱). پیران ویسه برای نگهداشت سیاوش در توران و نفعی که از این کار عاید تورانیان میشود، با وجود این‌که دخترش جریره در نکاح سیاوش است، خود به خواستگاری فرنگیس می‌رود تا پیوند سیاوش و افراسیاب و به تبع آن ایران و توران را محکم‌تر کند (همان: ۲۹۹/۲). پیشکشی درخور برای فرنگیس می‌فرستد (همان: ۳۰۲/۲) و در پایان داستان که افراسیاب ددمنشانه فرنگیس را آزار میدهد، بدون توجه به وابستگیهای حکومتی‌اش او را در پناه محبت خویش میگیرد (همان: ۳۶۴/۲).

از منظر هوش هیجانی سیندخت یکی از چند زن چاره‌اندیش شاهنامه است وی با هدایت خشم مهراب به سمت خرد انجام داد تا جان رودابه نجات یابد (همان، ۱۸۸/۱، ۱۹۲/۱).

نقش مهارت اجتماعی در مدیریت تعارض

یکی از شاخصه‌های مهارت اجتماعی هوش هیجانی، توانایی مدیریت تعارض است. مدیران با هوش از قابلیت بالایی در برقراری ارتباط اثربخش با کارکنان خود در موقعیتهای تعارض برخوردارند. گریور معتقد است که مهارت مدیریت در رسیدگی به تعارض عامل تعیین کننده در توفیق مدیریت و اثر بخشی سازمانی دارد (محمد زاده، مهر وژان، ۱۳۷۵: ۱۷۴). گلمن این هنر ارتباطی را تشخیص و مداخله در تعارض بنیادین و احساسی در سطوح بین فردی، درون گروهی و میان گروهی برای اداره کردن این تعارض‌ها میدانند (گلمن، ۱۳۹۸: ۱۷۲). **کشمکش میان کیکاووس و افراسیاب**، در شاهنامه بسیار پررنگ است. هر دو طرف معمولاً به دنبال راه‌حلهای نظامی هستند و از دیپلماسی مؤثر کمتر بهره می‌برند. افراسیاب استاد شناسایی و بهره‌برداری از ضعفهای ارتباطی و مدیریتی کیکاووس است. از آن سو کیکاووس از هوش هیجانی برخوردار نیست؛ پس نه به نصایح خردمندان گوش میدهد؛ نه غرورش را زیر پا میگذارد. اشتباهات او در مدیریت تعارض به جنگهای ویرانگری ختم میشود از جمله لشکرکشی به مازندران، سرزمین جادوان و دیوان (شاهنامه فردوسی، ۲۴-۳۲۹-۳۰/۲۱۸) جنگ در هاماوران (شاهنامه فردوسی، ۸۲-۵/۸۰-۲/۳۸۴).

در تعارض بین فردی معمولاً یک نفر آغازگر است که «به خاطر رفتاری که از شخص دیگر سر زده است احساس ناراحتی میکند» (وتن، کمرون، ۱۳۸۳: ۱۱). در تراژدی شاهنامه، اسفندیار آغازگر و رستم پاسخ دهنده تعارض محسوب میشود. در این داستان دو عامل ارتباطات ضعیف و قدرت طلبی باعث ایجاد تعارض شده است؛ ضعیفی که رابینز هم آن را دلیل ایجاد تعارض میدانند. (فرابینز، ۱۳۷۷: ۷۱۹)، این چالش ارتباطی در نحوه برخورد رستم با گشتاسب هم دیده میشود. رستم بعد از آن که پادشاهی به گشتاسب رسید، ارتباط خود را با دربار قطع کرد و این خود باعث سوءظن گشتاسب نسبت به وی گردید و این زمینه تغییر نگاه شاه به پهلوان بی نظیر شاهنامه شد:

که بر پیش کاوسکی بنده بود ز کیخسرو اندر جهان زنده بود
به شاهی ز گشتاسب نارد سخن که او تاج نو دارد و ما کهن
(شاهنامه فردوسی، ۲۴۴/۶)

پیامد این تغییر نگاه به مرگ اسفندیار و به تبع آن فروپاشی خاندان رستم انجامید. رویکرد حل تعارض بسیار پسندیده است اما عدم هوش هیجانی باعث میشود که اگر اوضاع بر وفق مراد نباشد روش برد-باخت پیشه کنند. (وتن، کمرون، ۱۳۸۳: ۱۲). در داستان، رستم و اسفندیار وقتی تمام راههای آشتی بسته میشود به همین نتیجه میرسند. در نظریه برد-باخت، طرفین به این باور می‌رسند که تنها به بهای باخت دیگری میتوانند به برد دست یابند (بگلی، ۱۳۸۵: ۲۰)؛ همچنانکه رستم و اسفندیار بعد از مذاکره، به این نتیجه میرسند که تنها با شکست طرف مقابل میتوانند پیروز شوند.

در شاهنامه هستند افرادی که مدیران نابی برای حل تعارضات هستند. از منظر هوش هیجانی پیران با گذشتن از بسیاری از منافع خود و تسهیل حضور سیاوش در توران (شاهنامه فردوسی، ۲۸۳/۲)، سینه‌دخت با کشاندن زال به کابل (فردوسی، ۲۰۴/۱) و حتی خود سیاوش با رفتن مسالمت آمیز از ایران (فردوسی، ۱۰۹/۵) که همه بر پایه گفتگوی درست بود، مانع ریختن خونهای بسیار شدند.

همکاری گروهی در ارتباط مؤثر

از منظر نظریه هوش هیجانی گلمن، همکاری گروهی در ارتباط مؤثر به شدت تحت تأثیر توانایی اعضای گروه در درک و مدیریت احساسات خود و دیگران قرار دارد. (هین، ۱۳۸۶: ۶۹)، در شاهنامه اصل مشورت را میتوان یکی از

همکاری گروهی دانست. مشورتی که به زیورخرد آراسته باشد. زیباترین نمود این روش در شاهنامه هنگام تشکیل شوراهای نظامی دیده میشود. شاهان قبل از اقدام به جنگ، شورای مرکب از فرماندهان و بزرگان کشور تشکیل میدهند و با توجه به مقتضیات وقت تصمیمی مشترک می‌گیرند. انوشیروان یکی از این شوراها را هنگام آگاهی از تجاوز امپراتوری روم به مرزهای ایران تشکیل داد.

چو برخواند آن نامه را شهریار برآشت با گردش روزگار
همه موبدان و ردان را بخواند ازان نامه چندی سخنها براند
سه روز اندران بود با رای‌زن چه با پهلوانان لشکر شکن
چهارم بران راست شد رای شاه که راند سوی جنگ قیصر سپاه
(فردوسی، ۱۲۶/۷)

یکی دیگر از نشانه‌های مشارکت جمعی قابل انطباق با هوش هیجانی پابندی شاهان به سبک مدیریت نقش مداراست که امور به زیردستان تفویض میشود؛ تا مدیر درموقع لزوم طبق آنچه که صلاح میداند، تصمیم‌گیری نماید.

سپهدار شیروی بهرام بود که در جنگ با رای و آرام بود
چپ لشکرش را به فرهاد داد بسی پندها بر برو کرد یاد
چو استاد پیروز بر میمنه گشسب جهانجوی پیش بنه
...طلایه به هرمزد خرد داد بسی گفت با او ز بیداد و داد
به هر سوی رفتند کارآگاهان بدان تا نماند سخن در نهان
...به پیش سپه در طلایه منم جهانجوی و در قلب مایه منم
...بیامد دوان گرد لشکر بگشت به هر خیمه و خرگهی برگذشت
خروشید کای بی‌کرانه سپاه چنینست فرمان بیدار شاه
(همان، ۱۲۹/۷)

لشکرکشی‌هایی که به رهبری رستم انجام میشود در سایه تلاش جمعی به پیروزی میانجامد، مرهون درک متقابل، اعتماد، ارتباط مؤثر و هدایت درست است که همگی ریشه در هوش هیجانی اعضای گروه دارند. نمونه‌های دیگر از همکاری گروهی را میتوان در برگزاری جشنها، از جمله جشن نوروز (۲۳/۱)، مهرگان (۵۱/۱)، مراسم سوگواری، سوگ زریب (۶۱/۲) سوگ اسفندیار (۱۶۵/۲) برشمرد.

ایجاد و حفظ روابط

ایجاد روابط، با تکیه بر مهارتهای اجتماعی، به معنای توانایی برقراری ارتباط اولیه مثبت، ایجاد حس اعتماد و درک متقابل است. در سوی دیگر، حفظ روابط وابسته به استفاده مداوم از این مهارتها برای در پیچیدگیهای تعاملات انسانی، مدیریت سوء تفاهمها، و تقویت پیوندهای موجود است. گلמן تأکید دارد که این مهارتها، که ریشه در درک هیجانات خود و دیگران دارند، سنگ بنای روابط سالم، سازنده و پایدار در تمامی سطوح، از شخصی تا حرفه‌ای، محسوب میشوند. (گلמן، ۱۳۹۸: ۱۴۹).

رابطه‌ی زال و رودابه، یکی از زیباترین و پیچیده‌ترین روایت‌های عاشقانه‌ی شاهنامه قابل انطباق با هوش هیجانی است که نه تنها عشق عمیق بین دو نفر را به تصویر می‌کشد، بلکه چالش‌های فراوان در ایجاد و حفظ روابط در

مواجهه با موانع بیرونی و درونی را نیز به نمایش میگذارد. هوش هیجانی زال، نه تنها توانایی ایجاد پیوند اولیه، بلکه شامل برقراری ارتباط صادقانه و مؤثر نیز میشود

سپهد چنین گفت با ماهروی که ای سرو سیمین بر و رنگ و بوی
منوچهر اگر بشنود داستان نباشد بر این کار همداستان
همان سام نیرم برآرد خروش از این کار بر من شود او به جوش
ولیکن نه پر مایه جان است و تن همان خوار گیرم بپوشم کفن
(فردوسی، ۲/۱۷۳)

وفاداری رستم به کیکاووس (علی‌رغم اشتباهات کیکاووس) نمونه دیگر از حفظ روابط است. کاووس شاه در جریان نبرد رستم و سهراب از دادن نوشدارو برای بهبود سهراب بخاطر بدگمانی و ترس از قدرت یافتن رستم در دل خود، خودداری کرد (فردوسی، ۲/۱۸۵) اما رستم بارها جان شاه را نجات می‌دهد، مثل نجات از بند دیوان (فردوسی، ۲/۳۸) و در برابر دشمنان میایستد، حتی زمانی که کیکاووس تصمیمات اشتباهی میگیرد یا ناسپاسی میکند (فردوسی، ۲/۹۵)، رستم او را تنها نمیگذارد. رابطه‌ی رستم و کیکاووس، نه بر اساس علاقه متقابل یا رفتار بی‌عیب و نقص، بلکه بر پایه‌ی تعهد، مسئولیت‌پذیری و به‌ویژه داشتن هوش هیجانی یکی از طرفین (رستم) شکل میگیرد. (فردوسی، ۲/۴۱-۴)

- تأثیرگذاری و متقاعدسازی

یکی از اصول نظریه گلمن تأثیرگذاری فرد بر دیگران است. نفوذ با استفاده از فنون اثربخش برای متقاعد کردن دیگران (حکم آبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۶) مؤلفه‌ای است که به فرد این توانایی را می‌دهد که علاوه بر تأثیرگذاری بر دیگران، الهام بخش باشد. نمونه این مهارت را در گفتار رودابه هنگامی که همگان زبان به سرزنش او به خاطر دلبستگی به زال می‌گشایند، دیده میشود:

سخن بر چه سانسست و این مرد کیست که زیبای سربند و انگشتریست
ز گنج بزرگ افسر تازیان به ما ماند بسیار سود و زیان
بدین نام خود داد خواهی به باد چو من زاده‌ام دخت هرگز مباد
(فردوسی، ۱/۱۵۹)

رودابه که مطمئن از انتخاب خود است و میداند عشق به زال برایش امری سطحی یا هیجانی نیست، جواب مادر نگران را با توصیف شایستگی زال میدهد از پور جهان‌پهلوانی سخن می‌راند که هشیواری و یزگی اوست. کدام مادر است که چنین متاع بی‌همتایی را از دست دهد:

چنین داد پاسخ که «این خُرد نیست چو دستان ز پرمایگان گُرد نیست
بزرگست و پور جهان‌پهلوان هشیوار و با رای و روشن روان
هنرها همه هست و آهو یکی که گردد هنر پیش او اندکی
شود شاه گیتی بدین خشنماک برآرد ز کابل به خورشید خاک
نخواهد که از تخم ما بر زمین کسی پای خویش اندر آرد به زین
رها کرد زن را و بنواختش چنان کرد پیدا که شناختش
(فردوسی، ۱/۱۶۰)

حکایت فرود و طوس نیز شاهد دیگری بر مهارت متقاعد کردن مخاطب است. کیخسرو پس از مرگ فرود از رفتار سرکشانه طوس بسیار خشمگین است. بزرگان که عاقبت کار را تلخ پیش بینی میکنند از رستم خواهش میکنند پادر میانی کند. رستم از سختیهایی که بر طوس رفته میگوید از بدگمانی سپاه، از زمان مقدر انسان و... این ماجرا که قرار بود به مرگ طوس و بر دار کشیدن سپاه ختم شود با بخشش تمام میشود:

بدو گفت خسرو که ای پهلوان	دلیم پر ز تیمار شد زان جوان
کنون پند تو چاره جان بود	و گرچه دل از درد پیچان بود
به پوزش بیامد سپهدار طوس	به پیش شه اندر شده چاپلوس
بخشید خسرو گناه سپاه	گرانمایگان برگرفتند راه (همان: ۱۰۹/۳)

در میان تورانیان، پیران بهترین فردی است که از این توانایی برخوردار است. او افراسیاب خشمگین را که دستش به خون سیاوش آلوده است و دستور داده است دخترش را تا سرحد مرگ کتک بزنند تا اگر آبستن فرزندی از سیاوش است، در نطفه خفه شود، متقاعد می‌کند فرنگیس را به او ببخشد. پس از آن هم او را در کنف حمایت خود میگیرد و بعد از به دنیا آمدن کیخسرو، ضامن جان او میشود. (فردوسی، ۱۷۹-۱۷۸)

فردوسی در داستان گفتگوی سیاوش و سودابه نشان میدهد که تأثیرگذاری و متقاعدسازی، هرچند به شدت به هوش هیجانی فرد تأثیرگذار وابسته است، اما نیازمند حداقل سطح مشخصی از پذیرش، آگاهی هیجانی در مخاطب نیز میباشد. تلاشهای سیاوش برای اتمام دلدادگی سودابه نتیجه نمیدهد:

سیاوش بدو گفت هرگز مباد	که از بهر دل سر دهم من به باد
چنین با پدر بی‌وفایی کنم	ز مردی و دانش جدایی کنم
تو بانوی شاهی و خورشید گاه	سزد کز تو ناید بدینسان گناه

(فردوسی، ۳۱۷/۲)

اما سودابه زمینه پذیرش ندارد نه به جایگاه خود و همسرش میانداشید نه به عواقب این عشق رنگی. آنقدر کار را ادامه میدهد تا تراژدی ننگین قتل سیاوش به دست او نوشته میشود. از منظر هوش هیجانی در جنگ هَماوَن، هنگامی که رستم و پیران روبه‌روی هم قرار میگیرند، برخلاف انتظار میدان نبرد، میان آنها گفت‌وگویی منطقی و عقلانی شکل میگیرد پیران، با آن که سردار سپاه دشمن است، نیکی و خرد را بر خشونت برمیگزیند. او از رستم میخواهد که تندخویی را کنار بگذارد و راه آشتی و مدارا را برگزیند. رستم نیز با وجود جایگاه قهرمانی، در رفتار خود نشانهایی از درک متقابل و فروتنی در اوج قدرت نشان میدهد.

بکشتم درختی به باغ اندرون	که برگش کسبت آمد و بار خون
به دیده همی آب دادم به رنج	بدو بد مرا زندگانی و گنج
مرا زو همه رنج بهر آمده	همه بار تریاک زهر آمده است

(فردوسی، ۲۰۷/۳)

رستم با گفتگوی منطقی و بر پایه‌ی ارتباط مؤثر سخن می‌گوید؛ او به جای واکنش احساسی در برابر دشمن، گفت‌وگویی عقلانی و توأم با احترام برقرار میکند.

مرا آشتی بهتر آید ز جنگ	نباید گرفتن چنین کار تنگ
نگر تا چه بینی تو داناتری	به رزم دلیران تواناتری

نتیجه گیری

هوش هیجانی به عنوان توانایی درک، کنترل و به کارگیری هیجانها در جهت تصمیم‌گیری و تعامل مؤثر، زیربنای ارتباطات انسانی محسوب میشود. بررسی شاهنامه با رویکرد نظریه گلمن، نشان میدهد هوش هیجانی، نقش مهمی در تعاملات انسانی شاهنامه دارد.

تحلیل این حماسه نشان میدهد که تسلط قهرمانان بر مهارت‌های اجتماعی، به ویژه مبحث ارتباط مؤثر کلامی، عاملی تعیین‌کننده در موفقیت‌های عاطفی و حکومتی آنها بوده است. هم‌نوازی عاطفی و همدلی کلامی در حفظ ارتباط نقش محوری دارد؛ پیوند زال و رودابه، اوج این هم‌نوازی است. در سطح حکومتی، وفاداری رستم به کیکاووس، حتی در شرایط ناسپاسی، نمونه‌ای از حفظ رابطه مبتنی بر تعهد پایدار است که از درک عمیق مسئولیت سرچشمه میگیرد.

کلام در شاهنامه تنها ابزاری برای انتقال اطلاعات نیست، بلکه وسیله‌ای برای تنظیم هیجانات و میانجی‌گری است. توانایی یک شخصیت برای استفاده از لحنی مناسب، چه برای فرونشاندن خشم و چه برای جلب اعتماد، با خودتنظیمی هیجانی او پیوند مستقیم دارد. پادرمیانی رستم برای طوس، برای فرونشاندن خشم کیخسرو نشان توانایی او در الهام بخشی از طریق استدلال شفاف است. نقطه مقابل این مهارت، ناکامی سیاوش در متقاعد کردن سودابه است که نشان میدهد فقدان آگاهی هیجانی در مخاطب، تلاشهای تأثیرگذار را به شکست میکشاند.

مدیریت تعارض هم، بازتابی عمیق از سطح هوش هیجانی است. قهرمانان خردمندی چون پیران ویسه و سیندخت با بهره‌گیری از گفتگوی درست و درک فضای احساسی، بحرانهای بزرگ را مهار کرده و همکاری گروهی موفق را بر پایه اعتماد بنا نهادند.

علاوه بر جنبه کلامی، فردوسی به اهمیت ارتباطات غیرکلامی نیز اشراف کامل داشته است؛ حرکات و رفتارها در این حماسه، مکمل‌هایی حیاتی برای انتقال عمیق احساسات و نیت‌های واقعی هستند و نشان‌دهنده درک بالای فردوسی از پیچیدگیهای تعامل انسانی است. نمایش خشم از طریق حرکات بدنی یا ابراز احترام با اعمال، گاهی قویتر از زبان، مقاصد درونی را منتقل میکند.

در نهایت، شاهنامه تصویری غنی از این ایده ارائه می‌دهد که موفقیت واقعی در روابط پیچیده، چه فردی و چه اجتماعی، نه فقط به شجاعت، بلکه به تعهد هیجانی و درک عمیق احساسات دیگران گره خورده است؛ نفوذ پایدار از طریق هدایت هیجانات به سمت تفاهم و صلح حاصل میشود.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد استخراج شده است. سرکار خانم شیرین صمصامی راهنمایی رساله را بر عهده داشته اند و طراح اصلی این مقاله و نویسنده مسئول بوده اند. خانم دکتر سمانه سادات جعفر طباطبایی بعنوان مشاور و دانشجو سرکار خانم مریم سعیدی پژوهشگران این مقاله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را از مدیر گروه رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد و اعضای هیأت تحریریه نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام مینمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسندگان مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را برعهده میگیرند.

REFERENCES

- Aladpoush, Ali, & Tootunchian, Alireza. (1993/1372). *Diplomat and Diplomacy*. Publisher: Publication Department of the Ministry of Foreign Affairs.
- Atkinson, Edward E., Smith, Susan Nolen, Bem, Daryl J., Atkinson, Rita L., Hoeksema, Hilgard. (2006/1385). *Hilgard's Introduction to Psychology*. Translated by Mohammad Taqi Baraheni. Tehran: Roshd Publications.
- Blooch, Hamid Reza. (2021/1400). *The Power of Emotional Intelligence*. Tehran: Pendar Tabaan.
- Bagley, Phil. (2006/1385). *How to Negotiate?* Translated by Seyed Reza Eftekhari and Shahrazad Anvarkhah. 1st ed. Mashhad: Bamshad Publications.
- Bidar Moghz, Ali Mohammad. (2013/1392). *Nonverbal Communication*. Tehran: Kargozar Ravabet Omumi.
- Bees, Alan. (2014/1393). *Body Language*. Translated by Samira Abazari. Tehran: Hirmand.
- Jamalabadi, Paria, Mirshahi, Farzad, & Beheshti Pour, Hossein. (2016/1395). "Emotional Intelligence and Its Place in Effective Communication." In *The Third International Conference on Research in Science and Technology*, Berlin, Germany.
- Robbins, Stephen P. (1998/1377). *Organizational Behavior*. Translated by Ali Parsaeian and Seyed Mohammad Araabi. 1st ed. Tehran: Cultural Research Bureau.
- Saroukhani, Bagher. (1988/1367). *Sociology of Communication*, Vol. 3. Tehran: Ettelaat Publications.
- Sarami, Ghadam Ali. (2004/1383). *From the Color of the Flower to the Pain of the Thorn*. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Shoayri, Hamid Reza. (2013/1392). *Semiotic-Semantic Analysis of Discourse*. Tehran: SAMT.

- Ferdowsi, Abolqasem. (2007/1386). *Shahnameh*. Edited by Jalal Khaleghi-Motlagh. 4th ed. Tehran: The Center for the Great Islamic Encyclopedia.
- Gharibabadi, Sara, Abbaspoor Esfden, Hassan Ali, & Mirani, Arasto. (2022/1401). "A Stylistic Study of Shahnameh Characters from the Perspective of Analytical Psychology." *Islamic Lifestyle Journal*, 6(1), 883–904.
- Karimi, Yusef. (n.d./137?). *Personality Psychology*. 1st ed. Tehran: Roshd.
- Kimiai, Seyed Ali, Barati, Mohammad Reza, & Soltani Far, Atefeh. (2011/1390). "Teaching Emotional Intelligence and Its Effectiveness in Reducing Aggression among Aggressive Adolescents." *Journal of Clinical Psychology and Counseling Research*, 1(1), 151–166.
- Goleman, Daniel. (2019/1398). *Emotional Intelligence: Self-Awareness, Self-Control, Empathy, and Helping Others*. Translated by Nasrin Parsa. Tehran: Roshd.
- Giro, Pierre. (2004/1383). *Semiotics*. Translated by Mohammad Nabavi. 2nd ed. Tehran: Agah.
- Mohammadzadeh, Abbas, & Mehroozhan, Arman. (1996/1375). *Organizational Behavior and Contingency Attitude*. Tehran: Allameh Tabataba'i University.
- Niven, David. (2004/1383). *100 Secrets of Success in Married Life*. Translated by Nafiseh Motaakhef. Tehran: Dorsa.
- Whetton, David, & Cameron, Kim S. (2004/1383). *Conflict Management*. Translated by Mehdi Alvani and Hosn Danayi Fard. 1st ed. Karaj: Management Research and Education Publications.
- Heen, Steve. (2007/1386). *Emotional Intelligence for Everyone: A Practical Guide to Emotional Intelligence*. Translated by Roya Kuchak-Entesar and Mozhgan Mousavi-Shooshtari. Tehran: Safir Ardehal.
- Houshang, Majid. (2009/1388). "Psychological Criticism and Analysis of Shahnameh Characters." Thesis, supervisor: Hosseinali Qobadi, Ministry of Science, Research and Technology – Tarbiat Modares University.
- Yahaghi, Mohammad Jafar. (2007/1386). *Encyclopedia of Myths and Story Motifs in Persian Literature*. Tehran: Farhang-e Moaser.
- Corsini, J. R. (1999). *The Dictionary of Psychology*. Taylor & Francis Press.
- Mayer, J. D., Salovey, P., & Caruso, D. R. (2016). Emotional intelligence: Theory, findings, and implications. *Psychological Inquiry*, 17(4), 290–295.
- Roquete, M. d'O., Sáez-Suanes, G. P., Álvarez-Couto, M., & Hofmann, S. G. (2023). A Spanish adaptation and validation of the Interpersonal Emotion Regulation Questionnaire. *Environment and Social Psychology*, 8(2).

فهرست منابع فارسی

آلادپوش، علی، توتونچیان، علیرضا. (۱۳۷۲) دیپلمات و دیپلماسی، ناشر: اداره نشر وزارت امور خارجه.

- اتکینسون، ادوارد ای. اسمیت، سوزان نولن، داریل ج. بم، ریتا ال. اتکینسون، ریچارد سی، هوکسم، هیلگارد (۱۳۸۵) زمینه روانشناسی هیلگارد، ترجمه محمد تقی براهنی، انتشارات رشد
- بلوچ، حمیدرضا، (۱۴۰۰)، قدرت هوش هیجانی، تهران: پندار تابان.
- بگلی، فیل. (۱۳۸۵) چگونه مذاکره کنیم؟. ترجمه سیدرضا افتخاری و شهرزاد انورخواه. چاپ اول. مشهد: انتشارات بامشاد
- بیدارمغز، علی محمد (۱۳۹۲) ارتباطات غیر کلامی. تهران: کارگزار روابط عمومی.
- بیز، آلن (۱۳۹۳) زبان بدن. ترجمه سمیرا باذری. تهران: هورمزد
- جمال آبادی، پریا، میرشاهی فرزاد، بهشتی پور، حسین (۱۳۹۵) «هوش هیجانی و جایگاه آن در ارتباطات اثر بخش»، سومین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، برلین_آلمان
- رابینز، استفن. پی. (۱۳۷۷) رفتار سازمانی. ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی. چاپ اول. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۶۷). جامعه‌شناسی ارتباطات، جلد سوم، تهران: انتشارات اطلاعات
- سرامی، قدمعلی، (۱۳۸۳) ز رنگ گل تا رنج خار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی،
- شعیری، حمید رضا (۱۳۹۲) تجزیه و تحلیل نجانہ-معناشناختی گفتمان، تهران: سمت
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۶)، شاهنامه، تصحیح جلال خالقی مطلق، چاپ چهارم، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی
- غریب آبادی، سارا ، عباسپور اسفدن، حسنعلی، میرانی، ارسطو (۱۴۰۱)، «بررسی سبک‌شناسی شخصیت‌های شاهنامه با رویکرد روانشناسی تحلیلی» (مجله سبک زندگی اسلامی، دوره ۶، شماره ۱، فروردین، صص ۸۸۳-۹۰۴).
- کریمی، یوسف، (۱۳۷۰). روانشناسی شخصیت. چاپ اول. تهران: رشد
- کیمیایی، سیدعلی؛ رفتار، محمدرضا؛ سلطانی فر، عاطفه، (۱۳۹۰) «آموزش هوش هیجانی و اثربخشی آن بر کاهش پرخاشگری نوجوانان پرخاشجوی»، مجله پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، دوره ۱، شماره ۱، ۱۵۱-۱۶۶.
- گلمن، دانیل، (۱۳۹۸)، هوش هیجانی؛ خودآگاهی هیجانی، خویشتن داری، هم‌دلی و یاری به دیگران، ترجمه نسرين پارسا، تهران: رشد.
- گیرو، پی‌یر (۱۳۸۳) نشانه‌شناسی، ترجمه محمد نبوی. چاپ دوم. تهران: آگه .
- محمد زاده ، عباس، مهریژان، آرمن (۱۳۷۵) رفتار سازمانی و نگرش/اقتضایی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- نیون، دیوید، (۱۳۸۳) صد راز موفقیت در زندگی زناشویی، ترجمه: نفیسه معتکف، تهران، درسا.
- وتن، دیوید؛ کمرون، کیم. اس. (۱۳۸۳). مدیریت تعارض. ترجمه مهدی الوانی و حسندانیی فرد. چاپ اول. کرج: انتشارات تحقیقات و آموزش مدیریت

- هین، استیو، (۱۳۸۶)، *هوش هیجانی برای همه؛ راهنمای عملی هوش عاطفی*، ترجمه رؤیا کوچک‌انتظار و مژگان موسوی‌شوشتری، تهران: سفیر اردهال.
- هوشنگی، مجید (۱۳۸۸) «نقد و تحلیل روانشناختی شخصیت‌های شاهنامه»، پایان نامه، استاد راهنما، حسینعلی قبادی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری - دانشگاه تربیت مدرس
- یاحقی، محمدجعفر (1386) *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*، تهران: فرهنگ معاصر.
- Corsini, J. R. (1999). *The Dictionary of Psychology*. Taylor & Francis Press.
- Mayer, J. D., Salovey, P., & Caruso, D. R. (2016). Emotional intelligence: Theory, findings, and implications. *Psychological Inquiry*, 17(4), 290–295.
- Roquete, M. d'O., Sáez-Suanes, G. P., Álvarez-Couto, M., & Hofmann, S. G. (2023). A Spanish adaptation and validation of the Interpersonal Emotion Regulation Questionnaire. *Environment and Social Psychology*, 8(2).

معرفی نویسندگان

مریم سعیدی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

(Email: m.saeedii@iau.ac.ir)

(ORCID: 0009-0000-3833-6712)

شیرین صمصامی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

(Email: shirinsamsami@iau.ac.ir (مسئول: نویسنده)

(ORCID: 0000-0002-3668-6847)

سمانه سادات جعفر طباطبایی: گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران.

(Email: Samane.tabatabaee@iau.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-5498-6069)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Maryam Saeedi: Department of Persian Language and Literature, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

(Email: m.saeedii@iau.ac.ir)

(ORCID: 0009-0000-3833-6712)

Shirin Samsami: Department of Persian Language and Literature, Bi.C., Islamic Azad University, Birjand, Iran.

(Email: shirinsamsami@iau.ac.ir : Responsible author)

(ORCID: 0000-0002-3668-6847)

Samaneh Sadat Jafar Tabatabaei: Department of Psychology, Bi.C., Islamic Azad University, Birjand, Iran.

(Email: Samane.tabatabaee@iau.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-5498-6069)